

۱۰۱ - ای عزیز من

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۱۰۱ - ای عزیز من

ای عزیز من، امروز جهان وجود مانند شخص علیل است لهذا محتاج طبیب جلیل تا تشخیص مرض کند و علاج سریع نماید. و این مرض بداروی سیاسی و درمان آزادی مداوا نگردد و علاج نپذیرد زیرا مرض تعلق باخلاق و وجدان دارد و مستولی بجان و دل انسان.

علاجی خواهیم که جانرا زنده نماید و وجدان پرورد و قلوب را حیات تازه بخشد و نوع انسانی را بکالات رحمانی تربیت نماید. یعنی شمس حقیقت بتابد و ابر رحمت ببارد و نسیم جانپرور بوزد بهار روحانی جهان بیاراید و کوه و صحرا از فیض نامتناهی الهی سبز و خرم گردد طرف بستان حیات تازه جوید درختان برگ و شکوفه نماید و میوه تر برآرد سخن چمن گلزار و گلشن گردد و ازهار و ریاحین برویاند و مرغان حدائق گلبانگی از اسرار حقایق زنده و سامعان بوجد و طرب آیند. باری حال آن طبیب روحانی بعالم ظهور قدم نهاد و تشخیص مرض آفاق نمود و بتعالیم و وصایا و نصایح علاج سریع کرد و دواى بدیع بیان نمود تا جنگ و جدال برخیزد و صلح و صلاح برانگیزد عداوت و نفاق که مرض شدید آفاق است علاج گردد و خصومت و شقاق از بنیاد برافتد جنگ بدل بصلح شود جفا نماند وفا رخ بگشاید تعصب دینی و نزاع مذهبی و جدال وطنی و مباینت و مغایرت جنسی نماند کلّ احزاب حزب واحد گردد و جمیع قبائل و امم از یک چشمه بنوشد و روی زمین وطن مألوف عموم گردد و نوع انسان را مباینت اصول و فروع نماند وحدت عالم انسانی در قطب این جهان خیمه زنده عمومیت بشری بتأیید و توفیقات الهی رایت بر تلال و جبال و سهول و قصور و بروج افرازد و باریاح محبت حقیقی موج زند.



ORIGINAL



AUDIO

حال آن عزیز مهربان را همّتی نمایان باید و نیت خیر بجان و وجدان شاید تا خدمت بوحدهت عالم انسانی نماید و
خیر خواه عموم بشر گردد و بوصایا و نصایح الهی عمل نماید و بتعالیم جانپور حضرت بهاءالله قیام فرماید غرب
منور کند شرق معطر نماید تا حیات ابدیه جوید و مانند کوكب صبحگاهی بر اعصار و قرون بتابد.

